

جن وبسم الله

عیال گربه نره وارد اطاق میشود و کاسه آب را بدست او میدهد، گربه نره قبل از نوشیدن آب، دوبار بسم الله میگوید، عیال میپرسد:
 - چرا دو دفعه بسم الله میگی؟
 گربه نره جواب میدهد:

- زن، تو که مدرسه نرفتی، سواد نداری و شیمی نخوندی، آب از دو چیز تشکیل شده، اکسی (جن) و هیدرو (جن) وقتی پای دو تا جن در کار باشد باید دو دفعه بسم الله گفت.

شب نامه

به گربه نره (جانشین ولایت و قیح) خبر میدهند که مخالفین شبها پشت در خانه ها (شب نامه) می اندازند، گربه نره میگوید:
 - اشکالی نداره، شبها مردم خوابند و فرصت خواندن شب نامه را ندارند.

کفش تاریخی

یک روز گربه نره به با زدید موزه لوور پاریس میرود، متصدی موزه یک جفت کفش به او میدهد و میگوید:

- این کفش متعلق به لوئی چهاردهم است. منتظری کفش را بپایش میکنند و خطاب به متصدی میگوید:

- ببخشیدها، کفش لوئی چهاردهم دو نمره واسه پای بنده تنگه، بی زحمت کفش لوئی شانزدهم

را مرحمت کنید .

توطئه

ایضا به گربه نره گزارش میدهند که دولت آمریکا به عربستان سعودی (رادار زیرزمینی) فروخته ، گربه نره نا راحت میشود و میگوید :
 - ای دادبیداد ، پس اینها خبردارند که امام
 و من توی پناهگاه زیرزمینی قایم شده ایم
 و میخواهند با رادار زیرزمینی کلکمان را بکنن

همدردی

به احمد آقا و لیبهد گفتند :
 - مردم برای کمک به جنگ زده ها پول و جواهر
 و طلا هداه کردند ، شما چکار کردید ؟
 جواب داد :
 - مقداری اظهار همدردی و اظهار تاء سف به
 جیبه فرستادم .

تشک و تحاف

وقتی امام امت به خلبانهای عراقی توصیه
 کرد که بجای بمباران کردن با چتر در شهرهای
 ایران پائین بیایند و خودشان را تسلیم کنند
 به او گفتند :
 - اگر اینها با چتر پائین بیایند پاهای شان قلم

میشود .

امام فرمود :

— برای این امت همیشه در صحنه واجب است که تشک
ولحاف خودشان را توی کوچه‌ها پهن کنند تا وقتی
خلبانها به پایشین می‌پرنند پاهاشان نشکند .

ریسمان

وزیر جنگ در قصر جماران خدمت آقا شرفیاب شد
و عرض کرد :

— طبق دستور شما ، افسران و درجه دارانی را
که در زندان بودند آزاد کردیم تا به جبهه بروند
ولی اگر شیطان بزرگ گولشان زد و فرار کردند
چه خاکی بسرمان بریزیم ؟
آقا فرمودند :

— ولاکن به پای هر کدام از اینها یک ریسمان
بلند ببندید تا نتوانند فرار کنند .

توپ

رئیس سپاه پاسداران به وقیح عالیقدر میگوید
— وضع ما در جبهه‌های جنگ خوب نیست .
— چرا ؟

— متأسفانه توپ کم داریم .
— اینکه غصه‌ئی نداره ، من از همه بچه مدرسه‌ئی
ها خواهش میکنم که توپ‌هاشون رو در اختیار شما
بگذارند .

ستون

ایضا همین رئیس سپاه پاسداران به گربه نره گزارش میدهد که :

— اگر چند ستون اعزامی بکمک رزمندگان سپاه اسلام بروند ما میتوانیم دماغ صدام را بخاک بعالیم .

گربه نره جواب میدهد که :

— اینکه چیز مهمی نیست ، تمام ستون های مسجد امام خمینی و سایر مساجد را ختیار شما و افراد سپاه است ، ببینم چیکار میکنید .

گلدان

مسئول کارپردازی مجلس اسلامی به رئیس مجلس (گوسه^۱ رفسنجانی) شکایت میبرد که :

— بنده خسته شدم بسکه گلدانهای مخصوص راعی^۲ را شستم و توی حوض (گر) دادم .

گوسه توضیحات بیشتر میخواهد و او میگوید :

— به سر خودتان قسم این روحانیون ساکین مجلس ، گلدانها را به مصرف دیگری میرسانند و توی آنها ادرار میکنند .

ولایت ؟

یک آدم مستضعف و بیسواد به یک حزب الهی رسید و او پرسید :

— اینکده هی میگن ولایت فقیه، ولایت فقیه چی
میخوان بگن؟ اصلاً این چه ولایتی است و توی
کدام استانه؟
طرف جواب داد:

— لابدیک ولایتی است در اطراف خمین، یا...
شاید هم یکی از ولایت‌های هندوستانه.
مستضعف گفت:

— غلط نکنم این ولایت نزدیکی های ملایره،
چون ملایر مرکز شیره است و فقیه هم استاد شیره
مالیدن به سرما.

مذاکره

وزیر جنگ خمینی گزارشی تهیه کرد و به اندرون
فرستاد:

به شرف عرض اعلی حضرت جمارونی میوساند
متاسفانه تهیه لوازم جنگی از بازار سیاه، هم
برای ما و هم برای دولت عراق مشکل شده، چه
دستور میفرمائید؟

خمینی زیر گزارش نوشت:

— بسمه تعالی، ولکن مذاکره کنید و آشکی با
صدام کافر و قرار بگذارید برای صرفه جوئی
در وسایل و لوازمات جنگی، یکروز در میان
جنگ کنیم.

احمد آقا و قرآن

- چرا دادارید آسید احمد آقا را از زیر قرآن ردش میکنید؟ تشریف میبرند جبهه جنگ سرکشی؟
- نه بابا، تشریف میبرند منزل مادر نشون .

بمباران

- عیالات متحده، آقا، نیمه شب سرا سیمه به اطاق خواب (فرمانده کل قوا) وارد شد و گفت:
- آقا جون، بلندشین بریم توی پناهگاه.
- چرا؟ برای چی؟
- آخه من یک سروصداهائی شنیدم، گمانم باز هم طیاره های عراقی آمدن تهر و نوبمبارونش بکنن.
- برو بگیر بخواب زن، این سروصداها مال من بود.

مادر و بچه

- مادر - (خطاب به بچه) پاشو برو بخواب، دیر وقته.
- بچه - خوابم نمیآد، میخوام تلویزیون تماشا کنم، هنوز برنامه (امام شو) را نشون ندادن.

پیازچه

میگویند یکی از سران دول خارجی هنگامی
که با هواپیما از فراز ایران میگذشت تصادفا
از بالای باغ مجلس اسلامی عبور کرد و از خلبان
پرسید:

— مگر در ایران پیازچه کم است که توی این
باغ آنقدر پیازچه کاشته اند؟
خلبان جواب داد:

— پیازچه نیست، عمایه های وکلای مجلس است
که دارند توی باغ گردش میکنند.

خروخلخالی

شاگرد — برادر آموزمگار، چرا کلمه «خر» فقط
یک نقطه دارد ولی کلمه «خلخالی» دو تا؟
معلم — برای اینکه خلخالی دو دفعه خراست.

کودتا

همسایه — خدیجه خانم، چی شد که شوهرت را
گرفتن بردن زندان اوین؟
خدیجه — چه میدونم والله، داشت باغچه مونسو
(کود) میداد گفتن میخواستند (کودتا) بکنند.

شیر، شیره

مستضعف اولی - خیرداری یا نه؟ میگن که تا زگی ها خوردن شیرپاستوریزه هم قدغن شده .

مستضعف دومی - آخه میگن شیر، شیره، چه توی شیشه باشه، چه روی پرچم .

خرج اضافی

یکی ازموه منین میگفت :
- ازوقتی که آقاتوی کتاب توضیح المسائل نوشتن (اگرهمنسرا دم بیمارباشدمرد میتواند با مادرن وخواهرزنش همخواه بشود) من مجبورم خرج ومخارج خواهرزن ومادرنم راهم بدهم .

نوکرها

زن خطاب به شوهر :
- دیدی آخرش بی نوکرموندیم؟ پسره، خیسر ندیده رفت توکا بینه، موسوی وزیرشد .



بزرگ عمادداران فرمانده

لقب

اولی - حضرت امام به حجت الاسلام هاشمی
 فسنجونی لقب (مفتی اعظم مجلس اسلامی)
 مرحمت فرمودن .
 دومی - چرا ؟
 اولی - آخه جناب کوسه (حرف مفت) زیساد
 میزنه .

حمایت

روی یکی از دیوارهای شهر تهران نوشته شده
 بود :
 - خامنه‌ئی - رفسنجانی - موسوی حمایتان
 میکنیم .
 انجمن حمایت حیوانات

پشتیبانی

ایضا روی یک دیوار در شهر قزوین نوشته بودند
 - صادق اوا (صادق طباطبائی) از تو پشتیبانی
 میکنیم بالام جان .

هدف

- شنیدی یانه ؟ یک ضد انقلاب دیروز مغز

خلخالی را نشانه گرفت ولی تیرش به هدف
 نخورد.
 - چرا؟
 - آخه هدف خیلی کوچک بود.

نطق

عیال - (خطاب به امام) آقا جون، الهی
 فداتون بشم، چرا بیخودی هر شب هر شب توی
 تلویزیون نطق میکنین، مگه سیکارین؟
 امام - ده آخه اگر نطق نکنم میگن یا روحتما
 مرده.

ماسک آقای امام

گفت: در کالیفرنیا، بعضی از آمریکائی ها،
 ماسک (امام امت) را میفروشتند.
 گفتم:
 - فروختن ماسک آقا که مهم نیست، آمریکائی
 ها اگر راست میگویند ماسک را از روی صورت
 او بردارند.

سیگار

— برادر پاسدار، شما چه نوع سیگاری میکشی؟
 — من فقط سیگار (آزادی) را آتش میزنم
 ، چون باهاش مخالفم .

تعارف

خامنه‌ئی — برادر پاسدار، مردم میگویند که
 شما به افراد ارتش احترام نمیگذارید، چرا؟
 پاسدار — اختیار دارید قربان، ما خیلی هم
 برای اینها احترام قائلیم، توی جبهه
 جنگ کلی تعارف میکنیم و اول سرباز همسایه
 و افسرها را میفرستیم جلو.

رهنمودهای امام

خامنه‌ئی — (خطاب به امام امت):
 — قربان، این صدام کافر با زهم دارد بمب
 روی سر ما می اندازد، چکار کنیم؟
 امام امت — ولاکن به این امت شهیدپرور
 بگوئید آیت الکرسی بخوانند و زیر بمبها
 فوت کنند تا با دانه‌ها را برگرداند بطرف عراق

سوخت اتمی

موسوی - (خطاب به رئیس جمهور نیمه مرحوم)
 - قربان، اخیراً آمریکای جهانخوا را اعلام
 کرده که دیگر به هندوستان (سوخت اتمی) نمیدهد
 ، میدانید که هندیکی از بهترین دوستان ما
 محسوب میشود، چکار کنیم؟
 خامنه‌ئی - اشکالی ندارد، فوراً عده‌ئی از
 (پدر سوخته) های رژیم را به هند صا در کنید تا
 بجای سوخت اتمی بکار گرفته شوند.

جاسوس

رئیس کمیته - این غا ز چکار کرده که به کمیته
 جلبش کردی؟
 پاسدار - قربان، خیلی (بغ بغ) میکنه ...
 حتما جاسوس بغداده .

امام و بچه‌ها

امام امت بچه‌هایی را که پدر و مادرشان فدای
 انقلاب اسلامی شده بودند به حضور پذیرفتند
 بود .
 - و لاکن ، شما بچه‌های محترم بی پدر و مادر ،
 مثل همه بی پدر و مادرهای رژیم ، نور چشم

ما هستید، خداوند به شما توفیق بدهد.

شربت شهادت

یک نفر مستضعف پشت دیوار جما را ن نشست بود
و ناله میکرد، مستضعف دیگری از راه رسید
و از او سوال کرد:

— چته برادر؟

— هیچی بابا، بد مصب شربت شهادتش هم قلابی
است، من خوردم و رفتم جبهه اما عوض اینکه
شهید بشم اسهال شدم

قاتل‌ها

وقتی مرحوم طباطبائی را که از مخالفین رژیم
اسلامی بود درواشینگتن ترور کردند، یکی گفت
— شنیده‌ام (صلاح الدین) قاتل طباطبائی
در ایران است.

دیگری جواب داد:

— اینکه مهم نیست، همه قاتل‌ها فعلاتسوی
ایران هستند، دلیلی ندارد صلاح الدین نباشد

درد دل

پیرزن حزب الهی :
 - خاک به سرشون بکنن ، اینهمه پاسدار جوون
 وگردن کلفت تو این شهر خراب شده ریختن
 اما یکی شون عرضه نداره به ما تجا و زبکنه .

تولید نسل

به آخوندی گفتند :
 - اینطور که شما آدمها را میکشید پس از مدتی
 دیگر کسی در مملکت باقی نمیماند .
 جواب داد :
 - به همان نسبت که میکشیم ، بهمان نسبت هم
 زنهای شوهر مرده را صیغه میکنیم تا به تولید
 نسل کمکی شده باشد .

محبوبیت

بر طبق یک آمار غیر رسمی که از طرف مؤسسه
 گالوپ منتشر شده ، از وقتی که در تلویزیون
 جمهوری اسلامی کارتون نشان میدهند ، قیافه
 (رفسنجانی) محبوب ترین چهره تلویزیونی
 شده است .

اسلام

میگویند در موقع گروگان گیری، (پاپ) گسه
 میخواست پادر میانی کند از خمینی تقاضا
 کرد تا با او ملاقات کند.
 خمینی پیغام داد که:
 - و لکن تا وقتی که این آقای پاپ به دین
 مبین اسلام مشرف نشود من با او ملاقات نمیکنم
 پاپ در جواب گفت:
 - بهتر است قبل از او، امام و پیروانش به
 دین مبین اسلام مشرف شوند.

گرگها

پاسدار - برادر قوچعلی، از کجا میآئی؟
 قوچعلی - از ترکمن صحرا.
 - خوب، چه خبرها؟
 - هیچی والله، از وقتی که نماینده حضرت
 امام وارد (گرگان) شدن، به قدرت خدا یکدونه
 گرگ هم توی گرگان پیدا نمیشه.

نامزدی

وقتی به آقا گزارش دادند که (ریگان و مانند)
 خودشان را برای ریاست جمهوری آمریکنا

نا مزد کرده اند، امام فرمودند :
 - و لاکن دهه مگر این آمریکای جهان خور
 تا حالا زن نگرفته که تازه بفکرنا مزدی افتاده

روزه خور

یک روز جوانی مست و لایعقل، در حالیکه سیگاری
 گوشه لب داشت با آخوندی روبرو شد، آخوند
 گفت :

- ملعون ضدانقلاب، مگر نمیدانی ماه مبارک
 رمضان است، چرا سیگار میکشی ؟
 جوانک جواب میدهد :
 - آخه نمیدونی سیگار بعد از عرق چه کیفی
 داره .

شکار

یک شکارچی توی دشت مشغول شکار بود که یک
 پاسبان سر رسید و پرسید :
 - آهای . . . چکار میکنی ؟
 شکارچی جواب داد :
 - می بینی که دارم شکار میکنم
 - یا اجازه کی ؟
 - مگر شکار حیوانات آزاد نیست ؟
 - نه، فقط شکار آدمها آزاده .

امام جمعه‌ها

زن - حضرت آقا، یک عرضی داشتم، می‌گم با اینکه توی هفت روز هفته فقط یک‌دونه جمعه هست اما ما شالاهزار ما شالا، ما یک عالمه امام جمعه داریم، میشه بفرمائید چرا؟
 پیشماز - خواهر، این امام جمعه‌ها هر کدام مال یکی از ساعات جمعه هستند، مثلاً امام جمعه تهران امام بعد از ظهر است ولی امام جمعه قم امام پیش از ظهر، بقیه هم امام سر شب و دم صبح هستند.

ریش

- حضرت آقای احمد آقا ولیعهد، امام شبها موقع خواب ریش مبارک را روی لحاف قرار میدهند یا زیر لحاف؟
 احمد آقا - بسمه تعالی، تا آنجا که بنده خبر دارم آقا، روزهای اول انقلاب ریششان را روی لحاف می‌گذاشتند چون از کسی بساکی نداشتند ولی تا زگیها با سرمی چینه‌دزی بر لحاف.

زنانه مردانه

وزیر ارشاد اس اس لاهی :
 - حضرت امام حسب الامر مبارک تمام اماکن
 عمومی را زنانه - مردانه کردیم ، از اتوبوس
 گرفته تا دریا و مدرسه و کافه رستورانها ، همه
 و همه صد در صد اسلامی شده اند .
 امام امت :

- و لکن حال انوبت روزنامه های کیهان و این
 اطلاعات است ، آنها را هم زنانه مردانه کنید
 ، یک صفحه مال زنها ، یک صفحه هم مال مردها
 ، اگر نه توی دهنشان میزنم من .

حجره

میگویند ناصراالدین شاه و حسنعلی منصور و احمد
 دهقان بخواب آقا می آیند و شکایت میکنند که
 ازوقتی بدستور خلخالی مقبره های ما را خراب
 کرده اند در عالم برزخ آلاخون و الاخون ما ندیم
 ، نه توی جهنم جا داریم ، نه توی بهشت .
 آقا میگوید :

- در بهشت که آشنا و قوم و خویشی نداریم اما ،
 بروید جهنم از قول ما به متصدی مربوط به
 بگوئید فلانی گفت حجره من و خلخالی و هاشمی
 کوسه را به شما بدهند .



سکهء یک پول

جو

خامنه‌ئی - (خطاب به وزیرکشا ورزی) :
 - مرد حسابی ، با زهم گوش به حرف من نکردی
 و مقدار زیادی (جو) به خارج فروختی ، چند
 مرتبه باید گویم که سران رژیم اسلامی
 خودشان به این ماده غذایی احتیاج دارند؟

دزد و پاسبان

رئیس کلانتری - (به پاسبان) چرا اون دزدی
 را که نشونت دادم نگرفتی ؟
 پاسبان - قربان دنبالش کردم رئیس کمیته
 از آب درآمد .

فیلم

مشتری جلوی گیشه (سینما جماران) رفت
 - برادر ، بی زحمت دو تا بلیط لژ برای سیانس
 دوم مرخصت کنید .
 بلیط فروش - بروپی کارت ، امروز امام
 حال ندارن فیلم نمیان .

شکاف

دکترو لایتی (وزیر خارجی کابینه) :
 - حضرت امام ، شکاف بین ما و کشور فرانسه
 خیلی عمیق شده ، چکار کنیم ؟
 - و لاکن چندتا عمله بنا وردا ربیربده ایمن
 شکاف را پر کنند ، در ضمن (تنگهٔ هرمز) راهم
 اگر خیلی تنگ است گشادترش کنید ، موقع بر
 گشتن اگر فرصت داشتید این شاپور بختیار را هم
 بکشید . خداوند توفیقتان بدهد .

تجاوز

یک گربهٔ مستضعف خدمت گربه نره رسید و بعد
 از چاق سلامتی عرض کرد که :
 - قربان ، از وقتی که خلخال گربه کش سمر
 کار آمده و به قدرت رسیده ، موشها شیرک شدند
 و به زن و بچهٔ ما تجاوز میکنند .

حرف مردم

مردم میگویند :
 آخوندها ، شب موقع خواب عما مه را از سرشان
 برمیدارند چون میترسند در خواب (طناب
 دار) شود و آنها را خفه کند .

خامنه‌ئی شبها خواب می بیند که واقعا رئیس
جمهور شده .

اگر دروغهای امام را در کتابی جمع کنند ،
کتابی قطورتر از توضیح المسائل میشود .
اگر احمد آقا گریان تمام طلاهای را که در این
مدت چا پیده با خودش حمل میکرد با یدبجسای
عمامه یک (کنبد طلا) روی سرش باشد .
اگر (ریش) دلیل عقل و شعور بود ، جا رو فراشی
هم ادعای رهبری میکرد .

با لاخانه

آخوند اولی - حضرت آیت الله ، استحضار دارید
که دولت اسلامی دستور داده است تا تمام خانه
های خالی را در اختیار مستضعفین بگذارند ؟
آخوند دومی - بله بله ، ولی این قضیه ربطی
به ما علماء ندارد ، ما از مدت‌ها پیش (با لاخانه)
را اجاره داده ایم .

پاکسازی

لاجوردی (قصاب اوین) حضرت امام همه مملکت
پاکسازی شده ، حالا چه باید بکنیم ؟

خمینی - اسم ایران را بگذارید (پاکستان) .

چاره جوئی

اولی - بنظر شما این رژیم غاصب را چطوری
میشود ساقط کرد؟
دومی - بهترین کار را اینکه چند نفر از سران
رژیم سابق را توی دستگاہ اینها جا بزنیم .

حقوق بشر

احمد آقا - با زهم این کمیسیون حقوق بشر
خودش را الوس کرده و اعلامیه داده
امام امت - ما هی صدتومن به حقوقش اضافه
کنید تا دیگه صداش در نیاد .

سنگ پرانی

- با وجود اینهمه پاسدار مسلسل بدوش و گلوله
مجانی چه دلیلی داره که با زهم زنها را توی
کوچه ها سنگسار میکنن؟
- آخه بیکارها زیاد شدن دارن بهشون سنگ
پرونی یا دمیدن تا سرشون گرم باشه .

روزه

یکروز به ماه رمضان مانده، گریه نره لاجوردی، معروف به قصاب اوین را احضار کرد و گفت: - بمناسبت فرا رسیدن ماه رمضان از امروز به مدت یکماه سرا فردضا انقلاب را زیر آب نکنید چون ممکنه روزه شون باطل بشه.

همکار

ایضا بمناسبت ماه رمضان جناب گریه نره دستور داد مزاحم کسانی که روزه میخورند اما اسمشان رمضان است نشوند ولی کسانی را که اسم آنها (شعبان) است حتی اگر تظا هر چه روزه خوری هم نکردند دستگیر کنند چون ممکن است همکار (شعبان جعفری) باشند.

شکر

- راسته که میگن خمینی رژیم غذایی داره؟
- نه، آقا همه چی میل میکنن جز شکر، چون از (شکر خوردنشان) پشیمان شدن.

درس

- راستی خلخالی در مواقع بیکاری چکار میکند؟
- به گربه ها درس اخلاق میدهد.

ملی

آقا - و لاکن خیال دارم یک اقدام انقلابی بکنم بطوری که همه انگشت به دهن بمانند.
احمد آقا - چه اقدامی حاج آقا جان؟
آقا - دستور میدهم تمام عمایه ها را ملی بکنند تا به هر آدم مستضعفی دوزخ چلوار کفنی اعلا برسد.

دخیل

مدیر عامل را دیوتلوویزیون اسلامی :
- برادر مهندس ، بالاخره فرستنده دوهزار کیلوواتی را تعمیر کردید؟
مهندس - خیر قربان ، لوازم یدکی نداشتیم به دکل فرستنده (دخیل) بستیم بلکه حالش خوب بشه .

مناجات

خدایا، آنرا که ریش ندادی چه دادی ؟
 و آنرا که ریش دادی چها که ندادی
 پروردگارا، ما را از شر شیطان بزرگ و شیطانک
 های کوچک او، و از گزند رئیس کمیته محفوظ
 بدار .
 یا رب، مرا برکت و وسعت بده تا بتوانم از پس
 مخارج سنگین زندگی و مالیات ها و خمس ها
 و زکات ها و (حساب صد) برآیم .
 یا الله، مرا از چماق حزب الهی ها در امان
 بدار و اگر قرار است که شربت شهادت بنوشم،
 چه بهتر که بدون دخالت چماق باشد .
 یا خدایا، فرصتم ده تا وصله های ضد انقلاب و
 همکار ساواک را که مدر روز شده است از دامان
 خویش پاک کنم .
 یا رحمن، اگر قرار است که روز قیامت آخوند
 جماعت مرا به بهشت عنبر سرشت تورهنمون شود
 ترجیح میدهم که به جهنم بروم .
 یا رحیم، اگر امام دوازدهم تو ظهور کرده ما
 را در جریان بگذار و اگر نه، بگو اینک ظهور
 کرده کیست ؟
 ای ایزد منان، به من عمر دراز عطا کن تا بر سر
 سفره بنشینم و شادمانه، حلوائی رژیم اسلامی
 را نوش جان کنم .

بچه

رئیس سپاه پاسداران :
 - جناب رئیس جمهور، هرچی بچه دوازده ساله
 و چهارده ساله داشتیم فرستادیم جبهه شهید
 شدند، حالا چکار کنیم ؟ بچه کم داریم .
 رئیس جمهور - نا راحت نباش ، روحانیست
 مبارز دست بکار است و برای شما بچه درست
 میکند ، کسری هم داشته باشیم از آمریکای
 جها نخواستار (بچه آزمایشگاهی) میخریم .

اصلاح

یکروز اعضاء هیئت دولت دسته جمعی در جماران
 شرفیاب میشوند و رهبر کبیرا انقلاب می بیند که
 همه آنها ریششان را تراشیده اند ، علتش را از
 موسوی (مثلاً نخست وزیر) سوال میکنند و او بجا
 عشوّه مخصوص جواب میدهد :
 - قربان ، چون شما فرموده بودید که اگر وزیرا
 خودشان را اصلاح نکنند از کار برکنار میشوند
 اینها ریششان را زده اند .

عکس امام

گفت : در تمام ادارات و موءسسات عکس امام

را آن بالا کو بیده اند .
گفتم : بسیار کار بجائی کرده اند چون مسلمانان
در انقلاب بعدی باید عکس باشد تا مردم آنرا
پائین بیاورند .

آبله

مهین - خدیجه خانم ، شما از این حجابی که
سرتون کردن راضی هستید ؟
خدیجه سلامی - او ، پس چی خواهر ، اگر این
رو بنده و پیچه نبود من بیچاره این آبله ها
وسالک را چه جوری از چشم مردم قایم میکردم

آثار طاغوت

آقا - (خطاب به رفسنجانی) تا مرد بشنیده ایم
که تو وعده‌ئی از آخوندهای مجلست مقادیر
هنگفتی پول و اشیاء عتیقه از مملکت خارج
کرده‌اید ، چه توضیحی داری که بدهی ؟
رفسنجانی - حضرت امام ، شما خودتان دستور
دادید که آثار زمان طاغوت را محو کنیم ، ما هم
تمام اسکناسهای را که عکس شاه داشت بسا
قالیچه‌های دربار را فرستادیم خارج که اثری
از آثارش باقی نماند .



چگونه عقربه زمان به عقب برگشت ؟